

متن پرسش

سلام و عرض ادب استاد گرامی: دو موضوع را می‌خواستم باهاتون درمیان بذارم. اول اینکه متأسفانه با افرادی مواجه هستیم که سر طعم نان، شیرینی میوه، گرمی و سردی هوا و بالا و پایین شدن دلار و قطع شدن آب و برق نق می‌زدن. و وقتی بگم سختی‌ها هست باید نگاهتون رو عوض کنید تهمت میزنن و میگن تو وضع مالیت خوبه. با این‌که من از تمام کسانی که باهاشون تا الان صحبت کردم وضع مالی بسیار پایین تری دارم و داشتم. ولی از بس تهمت شنیدم که تو وضعت خوبه، مدتی سکوت کردم و از افرادی که نق میزنن شدیداً خستم. وظیفه من چیه، بذارم در جهل خودشون بمونن؟ حال درونی من وابسته به امکانات و وابسته به دیگران نیس مسئله دوم اینکه رهبر گفتن آبرو و عزت ایران رو حفظ کنید و دومین باره که حس می‌کنم کسی درد منو می‌فهمه، این درد که اکثر مردم همیشه بد ایران رو میگن و به خاطر مشکلات اقتصادی تخریب میکنن و حمد و ستایش غرب رو میکنن. واقعاً کسانی هستن که خونه سه خوابه از خودشون تو تهران دارن با چند ماشین فقط برا یه زن و شوهر، ولی اینقد نق میزنن که من حتی جرئت ندارم جلوشون بخندم و اگه بگم خب آدم باید تلاش کنه میگن تو وضعت خوبه. وظیفه من چیه. اینها چشم هاشون نابینا شده و این همه این همه نعمت رو نمیبینن و حتی بلد نیستن از نعمت های سرشار خدا استفاده کنن. فقط یاد گرفتن چشمشون به اموال دیگران باشه و تهمت بزنن تو وضعت خوبه و از شرایطشون ناله کنن. گویی تقصیر مردمی که اینا از شرایط ناراضی اند. و ما باید گریه کنیم همیشه چون اینا حالشون بده. اینا اگه گنج قارون هم داشته باشن تا وقتی حالشون با خودشون خوب نباشه چیزی براشون تغییر نمیکنه. ممنون.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: اتفاقاً نکته‌ای که می‌فرمایید نکته بسیار مهمی است از آن جهت که می‌توان به عبرت بزرگی نایل شد. از آن جهت که اگر در این تاریخ انسان‌ها نتوانند نسبت خود را با انقلاب اسلامی شکل بدهند، هرکجا که باشند با هر امکانی، مسلماً احساس پوچی و نارضایتی دارند. زیرا همان‌طور که متوجه هستید از رحمت و اسعاهای که خداوند از طریق انقلاب اسلامی گشوده است، این افراد خود را محروم کرده‌اند و باز عرض می‌شود این عبرت بزرگی برای ما می‌باشد. به نظر می‌آید اگر فضا فراهم نباشد، تذکر به این افراد نتیجه‌ای ندارد مگر آن‌که با سکوت و با متانت و دلسوزی، امیدوار باشیم خودشان متوجه خطای خود بشوند. موفق باشید

